

غذا خوردن بیرون از خانه

Eating out

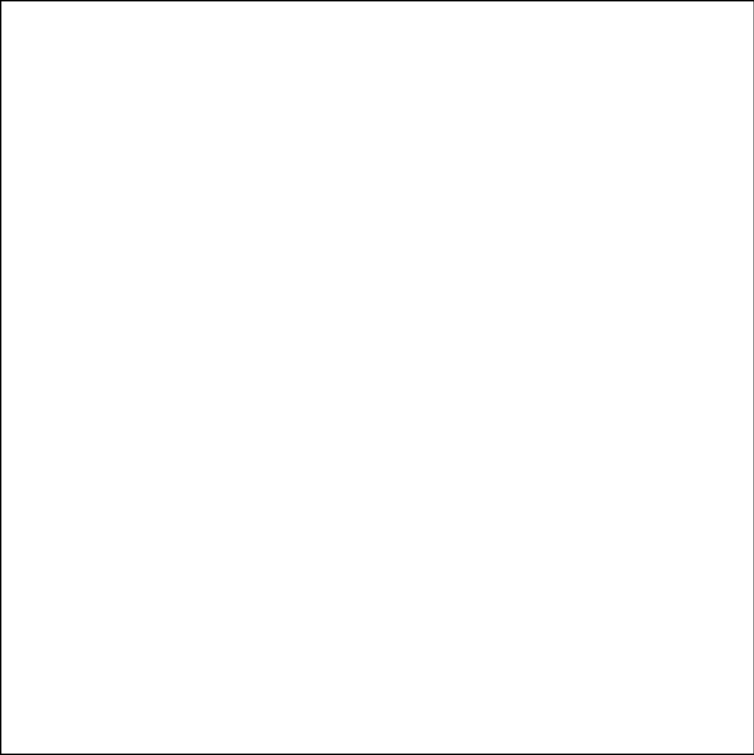
 Espen Stranger-Johannessen

 Aakanee

 Shir Ahmad Laiwal

 2

 دری / English



کیپ احساس به خوردن میگی را میکند.

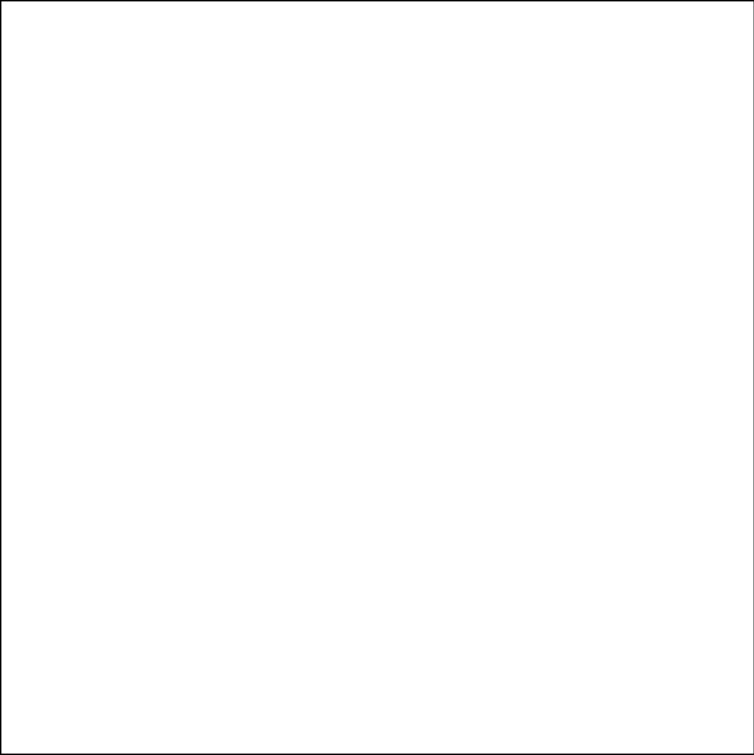
...

Kip feels like eating some noodles.

کیپ از یک رفیق خود می خواهد که همراهش شود.

...

Kip asks a friend to join him.



آڻھ پڻت يڪ جڳي خوراڪي مي گردند.

...

They look for a place to eat.

آڻھ جي را پيدا مي ڪنند ڪه ميگي مي فروشنند.

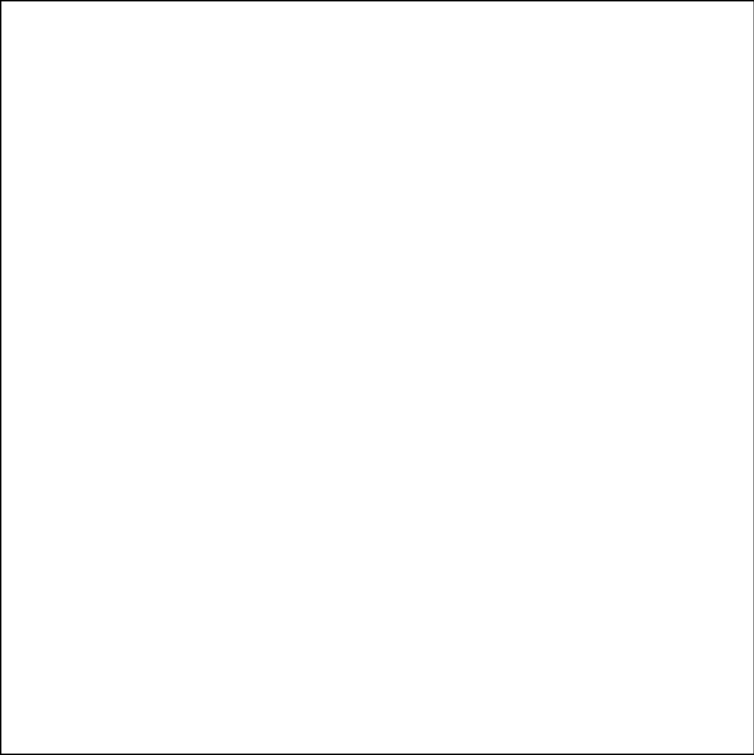
...

They find somewhere that sells noodles.

کیپ و دوستش یک میز خالی را پیدا می کنند.

...

Kip and his friend find a table.



آنہ می شنین و خدمتگر را صدا می کنند.

...

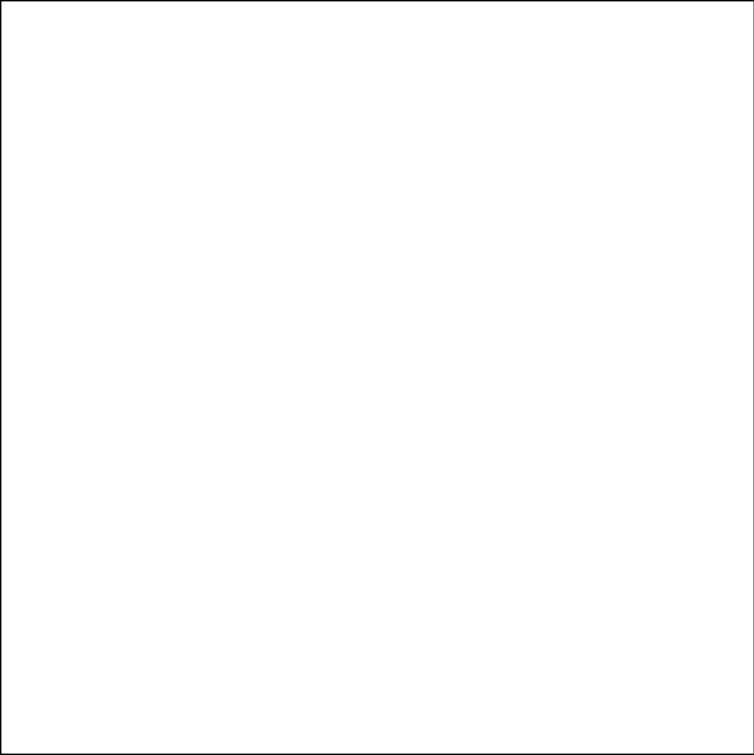
They sit down and call the waiter.



خدمتگر می آید. کپ اردر میگی را می کند.

...

The waiter comes. Kip orders noodles.



رفیق او هم فرہیش میگی را می کند.

...

His friend orders noodles too.



هر دوی اینثن یک گیلس آب می گیرند.

...

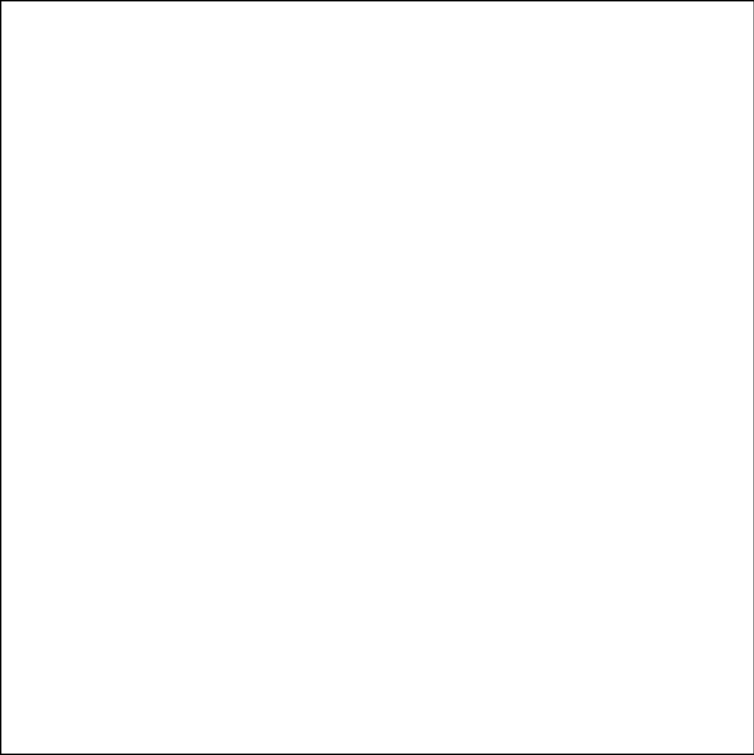
They each get a glass of water.



خدمتگر غذا را میبرد.

...

The waiter brings the food.



آن‌ها در می‌گی نمک و سرکه اضافه می‌کنند و می‌گی را شور
میدهند.

...

They add sauce and salt, and stir the noodles.

کیپ و رفیق اش میگی را می خورند. میگی بسیر لذیذ است.

...

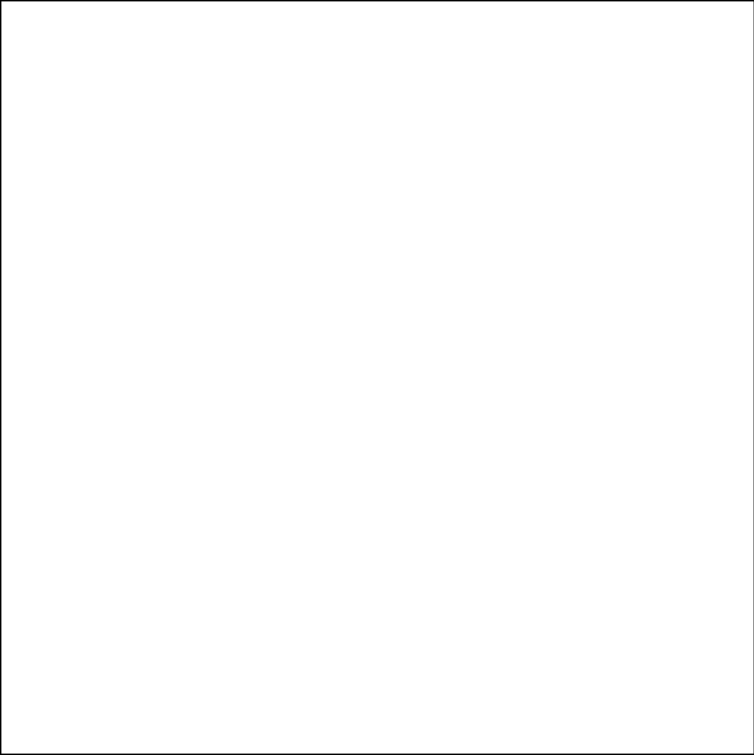
Kip and his friend eat the noodles. They are delicious.



او آب خود را مي نوشد.

...

He drinks his water.



آنھ بل پیسہ را تحویل می کنند.

...

They pay the bill.



LIDA Stories

lidastories.net

غذا خوردن بیرون از خانه

Eating out

 Espen Stranger-Johannessen

 Aakane

 Shir Ahmad Laiwal (prs)

